

پژوهشی بر تأثیر متقابل سفالگری ایران در عصر اشکانی و چین در دوره سلسله هان

فرانک بصیری^۱
فاطمه کاتب^۲

چکیده

سابقه روابط ایران و چین به حدود ۲۵۰۰ سال پیش می‌رسد و آن را مستندات تاریخی از دوران اشکانی ثابت می‌کند. جاده تجاری ابریشم که بخش قابل توجهی از آن در تصرف دولت پارس بود، زمینه ارتباطات ایران و چین را فراهم می‌کرد. هنر سفالگری از زمان‌های دور در سرزمین‌های ایران و چین رایج بوده است و با توجه به گستردگی روابط میان این دو خطه در دوره اشکانیان، وجود تبدلات هنری از لحاظ تکنیک، فرم و رنگ در سفالگری امری دور از ذهن نیست. مقاله حاضر تلاش دارد که پس از توصیف سفالگری در دوران اشکانی و هان، تأثیر این دو خاستگاه بر روی یکدیگر را بررسی کند. هدف از این پژوهش یافتن وجوه مشترک و میزان تأثیرگذاری میان این دو سرزمین در زمینه هنر سفالگری است. به نظر می‌رسد برخی از فرم‌ها و لعاب‌های به کار رفته در سفالینه‌های اشکانی به سرزمین چین رفته و نمود آن در آثار سفالین به جای مانده از سلسله هان دیده می‌شود. این پژوهش از نوع بنیادی است و به روش توصیفی-تحلیلی و در جهت بررسی سفالینه‌های اشکانی و هان از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است و نشان می‌دهد از اواسط دوره اشکانی و اواخر دوره هان نوآوری‌هایی در هنر سفالگری این دو منطقه به وجود آمده که تأثیر متقابل این دو تمدن بر یکدیگر را آشکار می‌کند.

واژگان کلیدی:

ایران، چین، اشکانی، سفالگری ایران، سلسله هان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲

۱. کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه الزهراء، fbasiri1354@gmail.com
۲. دانشیار و مدیر گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهراء، nfkateb@gmail.com

مقدمه

روابط ایران و چین دارای سابقه‌ای بس طولانی است و این دو ملت کهنسال به واسطه آثار تمدن درخشان در تاریخ خود از تشابهات زیادی برخوردارند، چنانکه نمونه‌های این تشابه را می‌توان در هنرهای گذشته مشاهده کرد که این تشابه را دلیلی بر وجود روابط فرهنگی دو کشور ذکر کرده‌اند. روابط اقتصادی ایران و چین و تبادل کالا و ظروف سفالی و مفرغی و آهنی بین آنان را می‌توان از اکتشافات باستان‌شناسی و آثار موجود در دو کشور به اثبات رساند و آنچه که موضوع ارتباطات میان ایران و چین در دوران باستان را یاری می‌نماید، بیشتر آثار به جای مانده از مورخین چینی است؛ زیرا از ایرانیان در این باره اسناد و مدارک بسیار اندک است. برای اثبات وجود روابط دو کشور تا زمان اشکانیان با کمبود اسناد و مدارک روبه‌رو هستیم، اما از زمان مهرداد دوم اشکانی است که اولین سفیر چینی رسماً به ایران می‌آید که اسناد و مدارک موجود، ما را در کنکاش و تفحص راجع به فراز و نشیب روند روابط دو کشور یاری می‌دهد. هنر و صنعت سفالگری از جمله صنایعی است که در سراسر تاریخ دارای اهمیت فراوان بوده و در متن زندگی بشر حضوری مداوم داشته است و در قالب اولین نشانه‌های هنر بروز کرده است. هنر سفالگری در ادوار گوناگون با شیوه‌ها، مواد، نقوش و فرم‌های مختلف ساخته شده و این تفاوت‌های گوناگون جلوه‌های بصری متفاوتی از این هنر را عرضه داشته است. از جمله کالاهایی که در روابط تجاری بین ایران و چین در بین دو کشور داد و ستد می‌شد، ظروف سفالی بود. در دوران سلسله هان در چین، سفال‌هایی با لعاب سبز رایج شده بود و مشابه این سفالینه‌های لعابدار در دوران اشکانی نیز موجود بوده است. با توجه به وجود ارتباط دو کشور در این دوران، پرسشی پیش می‌آید که خاستگاه این شیوه لعابکاری کدام سرزمین بوده است؟ و اینکه مراودات میان آنها چه تأثیری بر فرم سفالینه‌ها گذاشته است؟ پاسخ به سؤالاتی از این دست به واسطه مقایسه تطبیقی در مطالب این مقاله مد نظر قرار گرفته است.

سلسله اشکانی در ایران

شاهنشاهی اشکانی (۲۲۴م. / ۲۴۷پ.م) که با نام امپراتوری پارت‌ها نیز شناخته می‌شود، یکی از قدرتهای سیاسی و فرهنگی ایرانی در ایران‌زمین بود که ۴۷۱ سال بر قسمت اعظم غرب آسیا حکومت کرد. مؤسس و بنیانگذار این دودمان، اشک نامیده شد. این امپراتوری در قرن سوم پیش از میلاد توسط اشک، رهبر قبیله پرنی پس از فتح ساتراپ پارت در شمال شرقی ایران تاسیس گردید. وی سپس علیه سلوکیان قیام کرد و مهرداد یکم (۱۷۱-۱۳۸ پ. م) با تصرف مناطق ماد و میان‌رودان، قلمرو اشکانی را تا حد زیادی گسترش داد. پهناوری دولت اشکانی در دوره اقتدارش از رود فرات تا هندوکش و از کوه‌های قفقاز تا خلیج فارس را شامل می‌شد. به دلیل قرار گرفتن جاده ابریشم در گستره حکومت اشکانی و قرار گرفتن در مسیر بازرگانی بین امپراتوری روم و حوزه مدیترانه و امپراتوری هان در چین، این امپراتوری به مرکزی برای تجارت تبدیل شد (<http://fa.wikipedia.org>).

وظیفه نوسازی قدرت اشکانی بر دوش پسر اردوان یکم یعنی مهرداد دوم (۱۲۴-۱۲۳م. / ۸۸-۸۷ پ.م) قرار گرفت. مهرداد نه فقط اولین پادشاه ایرانی است که باب ارتباط و مناسبات با جمهوری بزرگ غرب را باز نمود، بلکه سفیر چین را نیز به دربار خویش پذیرفت (سایکس، ۱۳۸۰: ۴۵۵). شأن و حیثیت مهرداد با آمدن هیئت سفارت چین که از جانب ووتی^۱ فرستاده شده بود، فزونی گرفت (کالج، ۱۳۵۷: ۲۹). خاستگاه اشکانیان در شمال شرق ایران در منطقه ترکمنستان بود و آنها توانستند در طی نزدیک به ۵۰۰ سال امپراتوری وسیعی را از شرق تا غرب دنیای باستان بوجود آورند. همچنین موفق شدند قلمرو حکومت خود را در زمانی کوتاه به سوی غرب گسترش دهند، به طوری که پس از غلبه بر سلوکیان مرزهای سیاسی خود را تا سوریه، لبنان و ارمنستان امروزی گسترش دادند. امپراتوری پارت در این زمان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تمدن‌های آسیای غربی شد و همجواری آن با روم موجب تحولات اساسی در عرصه فرهنگی و هنری آن زمان گردید.

سلسله هان در چین

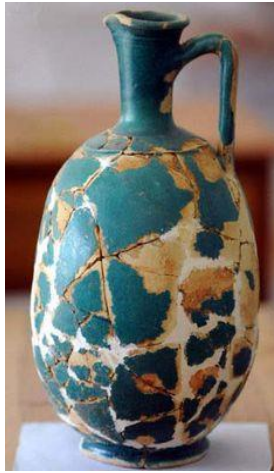
امپراتوری کین طی زمانی کوتاه در ۲۰۲ پ.م.، پس از یک دوره هرج و مرج و نبرد به رهبری لیو بانگ^۱ سقوط کرد و خود را به عنوان امپراتور معرفی کرد. او نام امپراتوری اش را هان نامید و پایتختش را در چانگ آن^۲ قرار داد. امپراتوری هان رسماً از ۲۰۶ پ.م. آغاز شد (G. Valenstein, 1975-1989). اقتدار امپراطوری تا نواحی وسیعی از غرب چین گسترده و راه‌های تجاری به هند و خاور نزدیک شد (هارت، ۱۳۸۲: ۵۲۶). دودمان هان، حدود ۴۰۰ سال بر چین فرمانروایی می‌کردند و این زمان طولانی یکی از پرتأثیرترین دوره‌ها در تاریخ چین بوده است. در سال ۱۴۱ پ.م. امپراتور ووتی بر مسند قدرت نشست؛ وی چارچوب حکومت سلسله هان غربی را گسترش داد و به پیشرفت اقتصادی و فرهنگی در مناطق شمالی سلسله هان مساعدت کرد.

صنایع دستی، بازرگانی و هنرهای انسانی و علوم طبیعی به دلیل ثبات اقتصادی و سیاسی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. به دنبال ارتقای سطح علوم و فنون، کارآیی تولید صنایع دستی با صنعت عمده استخراج و ذوب فلزات و صنعت نساجی به طور چشمگیری ارتقاء یافت. پیشرفت صنایع دستی باعث شکوفایی صنعت بازرگانی شد و از طریق جاده ابریشم به تبادلات سلسله هان با کشورهای آسیای غربی در زمینه امور خارجی و بازرگانی و تجاری مساعدت کرد (<http://pearsian.cri>).



۱۳۸ تا ۱۲۶ پیش از میلاد سفر ژانگ کیان به غرب، غارهای مانگآ

1. liu bang
2. Changan



کوزه سفالی لعابدار سبز

متعلق به ایران که در دوره هان وارد چین شده است.

روابط ایران و چین در عصر هان و اشکانی

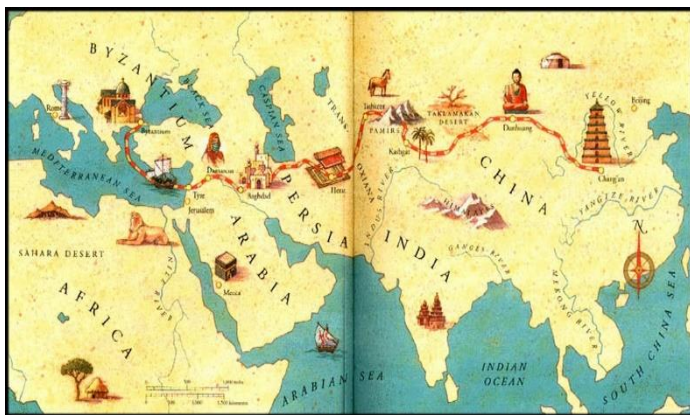
سابقه روابط ایران و چین بسیار طولانی است و نوشته‌های مورخان چینی و همچنین گزارش‌ها و سالنامه‌های منظم و مرتب به یادگار مانده از آنها، صحت این مسأله را تصدیق می‌کند. چین را بهشت تاریخ گذاران خوانده‌اند و صدها و هزاران سال است که تاریخ‌نویسان رسمی آن کشور، همه وقایع را ثبت کرده‌اند و از این بالاتر، خود نیز چیزها بر تاریخ افزوده‌اند (دورانت، ۱۳۴۳: ۸۹۱). آغاز تاریخ روابط ایران و چین به نخستین تماس میان دو دولت به سال ۱۴۰ پ.م. بازمی‌گردد و در این زمان، دودمان هان بر چین و اشکانیان بر ایران فرمان می‌راندند که از یک سو دولت هان در آسیای مرکزی پیشروی کرده و اشکانیان نیز بلخ را گشوده بودند، اما برخورد رسمی میان دو دولت چندین سال پس از آن رخ داد. ووتی امپراتور چین در دوره هان به دلیل گشایش در داد و ستد سفیری را به همراه پیشکش‌هایی به دربار مهرداد دوم اشکانی فرستاد. در این دوره پیوندهای بازرگانی میان دو کشور رو به فزونی یافت و دو طرف سفیرانی رد و

بدل نمودند و جهانگردانی از چین نیز از ایران دیدار کردند. دو کشور محصولاتی را به همدیگر معرفی نمودند که برجسته‌ترین آنان ابریشم چین بود و مسیر بازرگانی این کالای ارزشمند از چین به اروپا، از ایران می‌گذشت و راه ابریشم نام داشت. در متون تاریخی آمده است که تجار و بازرگانان ایرانی چه از راه دریا و چه از راه‌های زمینی به ویژه راه ابریشم، همواره با چین ارتباط داشتند و علاوه بر تجارت، فرهنگ و تمدن خویش را نیز در آن کشور نفوذ می‌دادند. به علاوه از زمان‌های بسیار دور، روابط دیپلماسی بین هر دو کشور برقرار بوده است (مهبد، ۱۳۶۱: ۲۰).

از قرن دوم پیش از میلاد، دولت روم عامل مهم اقتصادی در حوزه دریای مدیترانه بود و فتوحات این دولت، ثروت‌های دنیای قدیم را به سوی خود جلب کرد و مصنوعاتی چون ابریشم، ادویه، عاج، عطریات، سنگ‌های گرانبها را از چین و هند به سوی خود روان ساخت و در عوض محصولاتی مثل مفرغ، شیشه، شراب، روغن و طلا به چین و هند صادر کرد. اما ایران در تجارت جهانی همچنان وظیفه یا نقش میانجی داشت و این بدان معنی است که کاروان‌ها از جاده‌های آن استفاده می‌کردند (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۳۳۷). در زمان جانشینان اسکندر، راهی تجاری، ایران را به ترکستان و چین متصل می‌کرد که البته راه ابریشم نبود. پس از تشکیل دولت یونانی در باختر، روابط امپراطوری چین با دولت باختر آغاز شد. بر اساس منابع موجود چینی، نمایندگان از چین برای برقراری مناسبات اقتصادی و سیاسی عازم باختر شدند که پس از رسیدن به محل مأموریت و مطالعه اوضاع و احوال طبیعی، سیاسی و اجتماعی این کشور، به چین مراجعت کردند و گزارش دادند که برقراری رابطه با باختر به سبب دوری راه، به صلاح و صرفه نیست (آذری، ۱۳۷۷: ۱۹۵).

در دوره حکومت خاندان هان در چین، رهبران این کشور زیر فشار حملات اقوام بیابانگرد یعنی هون‌ها قرار گرفتند که مرزهای چین را تهدید می‌کردند. دولت چین که از فشار حملات هون‌ها بیمناک بود، به فکر تشکیل اتحادیه نظامی با اقوام هند و ایرانی افتاد و فرستاده‌ای به منطقه آسیای میانه فرستاد. البته فرستاده دربار چین به

نام جانگ چیان^۱ مجبور شد که از نواحی زیر تسلط هون‌ها رد شود و آنها او را دستگیر کردند، اما بالاخره با رهایی از دست آنها خود را به دره فرغانه رسانید. پادشاه فرغانه که در قلمرو ایران اشکانی بود، به داشتن رابطه با چین رغبت نشان داد. جانگ چیان گزارش مفصلی راجع به فرغانه و توانایی‌های نظامی و اقتصادی این امیرنشین آسیای میانه به دربار چین فرستاد و به ختن و ایران اشکانی و باختر و دیگر کشورهای مقتدر و به فرهنگ و داد و ستد آنها اشاره کرد (ستوده نژاد، ۱۳۸۳: ۴۵). مسافرت جانگ چیان به سرزمین‌های غربی، به او فرصت داد که اطلاعات مفیدی در باره اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی این مناطق جمع آوری کند (ستاریان، ۱۳۸۵: ۲). ووتی یا وو فغفور چین که در صدد بسط قلمرو حکومت خود در مغرب چین بود، به اعزام هیأت‌های سیاسی و تجاری اقدام نمود و نخستین سفیرش (جانگ چیان) که مأمور سرزمین‌های غربی چین و پارت شد را به ریاست یک هیأت صد نفری تعیین کرد. وی معاون خود را برای کسب اطلاع از اوضاع دولت اشکانی به این سرزمین فرستاد که از او استقبال باشکوهی به عمل آمد (بیانی، ۱۳۵۵: ۴۲). در سال ۱۲۸ پ.م. جانگ چیان پس از آنکه مأموریت خود را که مورد رضایت و خشنودی شاه ایران قرار گرفت، به اتمام رسانید، با هیأتی که از طرف پادشاه ایران معین شده بود و هدایایی، به چین روانه گردانید (دبواز، ۱۳۴۲: ۳۲). مهرداد دوم هیأتی را که از سوی امپراتور چین فرستاده شده بود، به حضور پذیرفت. او با امپراتور چین معاهده‌ای مبنی بر تسهیلات بسیار در امور تجارت بین‌المللی منعقد کرد که در آن، ایران به عنوان کشور ترانزیت، حلقه ارتباطی را که دارای اهمیت اساسی بود، تشکیل می‌داد (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۲۹۴).



جاده ابریشم (www.pinterest)

سفال ایران در دوره اشکانی

تا قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی در مکان‌های متعلق به دوره اشکانیان، شناخت و تشخیص سفال دوره اشکانی از دوره‌های قبل و بعد دشوار بود، زیرا طبق پژوهش‌ها، اشکانیان ادامه دهنده سیر فرهنگی و هنری هخامنشیان و عامل انتقال آن به دوره ساسانی بودند. پس از حمله اسکندر، فرهنگ و تمدن یونان و روم به ایران راه یافت و تمدن دوره اشکانی دنباله آن بود.

دکتر ارنی هرینگ از پژوهشگرانی است که برای تدوین رساله دکترای خود در رشته تاریخ و هنر و باستان‌شناسی بخش خاور نزدیک دانشگاه گان اتریش به طور اختصاصی به بررسی و معرفی سفال دوره اشکانی پرداخته است. هرینگ اطلاعات مربوط به سفال‌های این دوره را به طور مستند و علمی از مکان‌های کاوش شده به دست آورد و حاصل تحقیقات خود را تحت عنوان سفال ایرانی در دوره اشکانی ارائه داد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، سفال دوره اشکانی از ۹ منطقه کشور به دست آمده است. این ۹ منطقه عبارتند از: ۱- جنوب غرب ایران، ۲- غرب ایران، ۳- شمال غرب ایران، ۴- آذربایجان شرقی، ۵- منطقه شمال ایران، ۶- شمال شرق ایران، ۷- منطقه شرق ایران، ۸- جنوب شرق ایران، ۹- جنوب ایران (توحیدی، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

سفال‌های اشکانی را بر اساس رواج دو گونه فرهنگ سفالگری می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: مناطقی که سفال منقوش رواج داشته و مناطقی که تولید محلی سفال لعبدار داشته‌اند و وارداتی نبوده (مناطق ۱، ۲ و احتمالاً ۹) و مناطقی که در آن سفال لعبدار مشاهده نشده است (مناطق ۷ و ۸ شرقی و ۳ و ۴ شمالی) (هرنیک، ۱۳۷۶: ۲۵۸).

اشکال سفال اشکانی

ظروف سفالین اشکانی غالباً ساده و بی آرایش است. آرایشی که در سفال ماقبل تاریخ مانند تصاویر حیوانات و اشکال هندسی نمایان بود، در این زمان از بین رفته و فراموش شده است. برای ساختن ظروف زیبا، فلز به کار می‌رفت و ظروف سفالین فقط برای رفع احتیاج زندگی معمولی بود، نه جهت نمایاندن آرایش و زینت و به همین دلیل اغلب ظروف سفالین که از این دوره به دست آمده، اشیایی است که در خانه برای احتیاجات معمولی به کار می‌رفته است (تاریخ صنایع ایران: ۸۶). در زمان اشکانیان ظروفی به نام آمفورا ساخته می‌شد که به شکل گلدان یا سبویی است که بدنه بزرگی دارد و معمولاً مدور یا بیضی شکل است و در قسمت بالا گردن و در پائین پایه دارد. این سبوها عموماً دو دسته دارند، اما بعضی از آنها دارای یک یا چهار دسته‌اند. این قسم ظروف بیشتر در میان یونانیان و رومیان معمول و متداول بود و احتمال دارد که از مشرق به یونان رفته باشد. این سبوی یکی از متداول‌ترین و معمولی‌ترین سفال زمان خود بوده است؛ نه تنها از لحاظ صنعت قابل توجه آن، بلکه از جهت اینکه با تغییری مختصر در بلندی و کوتاهی و سبک گردن و پایه ممکن بود آن را به انواع و اقسام مختلف ساخت و تنوع بسیار در تولید آن به کار برد. نمونه‌های مختلف این ظروف در نینوا، آشور، سلوکیه و شهرهای دیگر عراق و ری در ایران پیدا شده است. اشکال و انواع دیگر کوزه‌های اشکانی عبارتند از: سبوهای بلند و نازک بدون دسته، دیزی‌ها و دیگ‌های مدور با دسته و بدون دسته، دیگ‌های بلندتر یا کوزه‌های یک دسته‌ای، کوزه‌های مدور با دو دسته و سبوهایی که گردن آن مانند بطری است با یک یا دو دسته و این سفال‌ها

هم ساده و هم لعابدار ساخته می‌شدند. ظرف دیگری که به قمقمه مرسوم است، در زمان اشکانیان ساخته می‌شد و آن عبارت است از بطری مدوری که دهنه باریکی داشته و در طرفین گردنه آن دسته دارد (ویلسون، ۱۳۶۶: ۸۹).

اشکال و گونه‌های مختلف سفال از نظر دکتر ارنی هرینگ به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند: ۱- سفال‌هایی مانند پیاله‌ها، کاسه‌های دسته‌دار یا بی‌دسته، فنجان، قوری که ارتفاع آنها از بزرگ‌ترین قطر کمتر است، ۲- ظروفی مانند کوزه و خمره، کوزه یا آبخوری، کوزه با دسته، ابریق، کوزه با لوله آبریز، عطردان، تنگ یا کوزه کوچک با دو دسته، آموفورا، کوزه یا تنگ با دو دسته که بلندی آنها از بزرگ‌ترین قطر بیشتر است، ۳- شکل‌های خاص و متمایز از جمله قمقمه‌های مسافرتی، ظرف به شکل حیوانات، ریتون، چراغ‌ها و شمعدان‌ها (هرنیک، ۱۳۷۶: ۲۷).

هنر سفالگری در دوره هان

افزایش رونق اقتصادی و گسترش اقتدار دودمان هان سبب شد که مقامات به مناطق دوردست بروند و در اقصی نقاط کشور می‌توان مقبره‌های چینی باشکوهی را با اثاثیه‌ای که گنجینه‌ای از مصنوعات مادرشهری است، یافت. دو عدد از این مقابر که در هان چنگ در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غرب پکن یافت شده‌اند، به اواخر قرن دوم پیش از میلاد تعلق دارند. این مقابر صخره‌ای با ۵۰ متر عمق در دل کوه کنده شده و برای شاهزاده لیوشنگ و همسرش شاهدخت دوئوان ساخته شده‌اند. محتویات این مقبره‌ها شامل اشیاء سفالی، یشمی و مفرغی است و سفالینه‌های یافت شده در این مقبره‌ها خاکستری‌اند و نقوش آن تقلیدی از آذین‌های اشیاء مفرغی است (جرالد، ۱۳۶۷: ۲۶۷).

اشکال سفال هان

مقدار قابل توجهی از سفال‌های به دست آمده در چین متعلق به دوره هان بوده و بیشتر این سفال‌ها در مقبره‌ها یافت شده‌اند. یکی از این اشکال، ظرفی به نام هو است که از روی اشیاء برنزی تقلید شده و دیگری، خمره‌های تدفینی هستند. سفال‌های دیگر

پژوهشی بر تأثیر متقابل سفالگری ایران در عصر اشکانی و چین ... / ۴۵

به شکل خدمتکاران، حیوانات، ساختمان‌های کوچک، اجاق و کبوتر خانه هستند که آنها را نیز در قبور شاهان کشف کرده‌اند (www.chinaonlinemuseum.com).



گلدان سفالی با لعاب سبز

مکشوفه از مقبره هو ارتفاع $۱۵ \frac{1}{۴}$ اینچ دوره هان



بشقاب حیوانات سفالی با لعاب سبز سربی

مکشوفه از مقبره هو ارتفاع $۲۳/۵$ سانتیمتر عرض $۳۷/۵$ سانتیمتر دوره هان شرقی



نمونه ساختمانی برج مراقبت مرکزی با لعاب سبز
ارتفاع ۱۰۴ سانتیمتر عرض ۳۷/۵ سانتیمتر دوره هان شرقی

لعاب

لعاب، شیشه مذاب، سنگ چخماق با سیلیس است که به وسیله حرارت به صورت مایع در می آید و باعث درخشش و جلای روی سفال یا کاشی می شود. چنانچه این ماده شیشه‌ای با اکسیدهای فلزی مانند سرب و قلع ترکیب شود، علاوه بر درخشندگی باعث ایجاد رنگ‌های زیبا و متنوع می‌گردد. در ایران هر چند، سنگ چخماق و خواص سیلیسی آن برای تهیه خمیر شیشه قبل از هزاره دوم پیش از میلاد شناخته شده بود، استفاده از لعاب برای اولین بار در هزاره دوم پیش از میلاد در شوش دیده شده است. در اواخر هزاره دوم در دوران ایلام گل‌میخ‌های سفالی و لعابدار که در بنای معبد چغازنبیل به کار رفته است، به دست آمد. در دوره هخامنشی استفاده از لعاب رنگ‌های لعابی بیشتر در معماری و برای پوشش و تولید آجرهای پخته لعابدار بوده است و به دلیل استفاده از ظروف فلزی و سنگی، هنر سفالگری در حد ساخت سفال ساده و بدون لعاب بود و اگر ظروف لعابداری هم تولید شده باشد، لعاب آن از نظر زیبایی و استحکام به پای آجرهای پخته لعابدار نمی‌رسد. سربازان جاویدان، کمانداران پارسی و نقش فروهر و

اسفنکس و گریفون‌های دوره هخامنشی به صورت برجسته روی آجرهای لعابدار استفاده از لعاب را در این دوره نشان می‌دهد و بیان‌کننده این واقعیت است که سفالگران هخامنشی با لعابکاری کاملاً آشنا بوده‌اند و در دوره اشکانی و ساسانی استفاده از لعاب امری متداول بوده است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۱۶۵).

لعاب‌های اولیه که در گذشته استفاده می‌شد، انواع گوناگون داشت که عبارت بودند از لعاب مصری، لعاب سربی، لعاب خاکستر، لعاب گل رس، لعاب فلدسپار و لعاب نمک. هر کدام از این لعاب‌ها در دوره مشخصی توسط هنرمندان به کار می‌رفت و از میان این لعاب‌ها، لعاب سربی در دوره اشکانیان رواج داشت.

لعاب سربی

لعاب سربی نوعی از لعاب‌های اولیه و ابتدایی است؛ مشتقات سرب به صورت‌های مختلف در طبیعت یافت می‌شود و دسترسی به آن آسان است و لعاب‌های سربی بر لعاب‌های قلیایی برتری دارند. آسانی عمل لعابکاری، استحکام کافی و مقاومت در هنگام پخت و نرمی و شفافیت از مشخصات این نوع لعاب‌هاست. بعضی از سفالگران گرد سرب را قبل از پختن روی سفال و اشیای سفالی می‌پاشیدند که پس از حرارت به صورت لعاب ظاهر می‌شد. یک نوع لعاب سربی بسیار متداول، ترکیبی از دو قسمت اکسید و یک قسمت سرب و یک قسمت ماسه نرم و مقداری گل رس است. سوری‌ها و بابلی‌ها با تجربیات خود به انواع لعاب‌های سربی دست یافتند و چون بیشتر گل‌های رس مورد استفاده دارای مواد معدنی دیگر نظیر آهن و مس و منگنز بود، رنگ‌های مختلف لعاب را تجربه کردند. استفاده و تهیه لعاب سربی در اواخر هزاره دوم و هزاره اول گسترش یافت و سابقه بعضی از لعاب‌های سربی چینی به ۵۰۰ ق.م. می‌رسد. در قرن نوزدهم میلادی مطالعاتی روی لعاب‌های سربی انجام شد و سمی بودن این نوع لعاب‌ها که تا آن زمان ناشناخته بود، کشف گردید. در اواخر هزاره اول به ویژه در زمان پارت‌ها، استعمال لعاب‌های سربی برای لعابکاری تابوت‌های سفالی و ظروف قمقمه‌ای به صورت هنری رایج در آمده بود (همان: ۱۶۶).

سفال‌های لعابدار سبز اشکانی

از اواسط دوره اشکانیان، نوآوری‌هایی در هنر سفالگری به وجود آمد و یکی از آنها ساخت نوعی لعاب معروف به لعاب قلیایی به رنگ‌های سبز و آبی تیره بود که در پوشش ظروف سفالین و همچنین تابوت‌های سفالین مورد استفاده سفالگران قرار می‌گرفت (کیانی، ۱۳۷۹: ۱۰۸). از کارهای جدید و مختص این دوره، صنعت لعاب دادن سفال است (ویلسون، ۱۳۶۶: ۸۶).

این صنعت از زمان هخامنشیان در آجرهای رنگین و کاشی‌های رنگارنگ استفاده می‌شد، اما در زمان هخامنشیان محدود به آجر و کاشی بود که از گچ ساخته می‌شد و در مورد سفال به کار نمی‌رفت. در زمان اشکانی تقریباً بدون استثناء لعاب یک رنگ داده می‌شد، یعنی هر دو طرف ظرف یک رنگ داشت، اما در بعضی نمونه‌ها انواع مختلف آن بود که از سبز روشن تا آبی فیروزه‌ای بسط داشت. در عصر سلوکی این رنگ عمومیت داشت و رنگ‌های دیگر از قبیل سفید، کرم و زرد نیز دیده می‌شود. رنگ قهوه‌ای سیر نیز به ندرت در بین سفال اشکانی دیده شده است. همه قسم و همه اندازه شیء سفالی لعاب داده می‌شد؛ از چراغ و ظروف بسیار کوچک که برای بزک به کار می‌رفته تا تابوت‌های بزرگ به طول دو متر و لعاب دادن اشیاء بزرگ مانند تابوت محتاج مهارت و استادی زیادی بود. صنعتگران دوره اشکانی لعاب را بسیار ضخیم می‌دادند و در نتیجه فقط ساده‌ترین نقش‌ها ممکن بود از زیر آن دیده شود. بعضی ظروف مانند لوله دسته چراغ دو مرتبه لعاب داده شده‌اند، زیرا حرارت زیاد یک پوشش لعاب را ریخته و از بین می‌برد (ویلسون، ۱۳۶۶: ۸۷).

سفال‌های لعابدار هان

انواع مختلفی از ظروف سفالی لعابدار در دوره هان ساخته شد و از میان آنها، تعدادی کوزه که نقش روی آنها اکثراً در قسمت بالایی به صورت خطوط آزاد و یا شیاردار است و دو دسته در دو طرف‌شان دارند، تقلید از ظروف برنزی بود. لعاب آهکی که با درجه بالای دما روی آن ایجاد شده، به صورت رگه رگه و فقط در قسمت‌های

پژوهشی بر تأثیر متقابل سفالگری ایران در عصر اشکانی و چین ... / ۴۹

بالایی، روی آن را پوشانده. رنگ سبزش به علت وجود آهن و اکسید تیتانیوم است. در نیمه پائینی کوزه و در قسمت بیرونی آن به رنگ قهوه‌ای قرمز تیره در آمده است (Valenstein, 1975-1989:42). در مقایسه با نمونه‌های بعدی، سفال سلادون غیرماهرانه بودند، با این حال اهمیت آنها بدین سبب است که آغازی برای دستیابی به فنون بالاتر در ساخت سفال‌های لعابدار است (Valenstein, 1975-1989:42).



کوزه آذوقه یو به رنگ سبز زیتونی، سلسله هان غربی ۲۰۶ ق.م.



کوزه آذوقه یو به رنگ سبز زیتونی، ارتفاع ۳۰/۵ سانتیتر، سلسله هان غربی

سفالگری در دوره هان غربی با ظهور لعاب سربی به رنگ‌های سبز و یا کهربایی روی سفال‌های قرمز پیشرفت چشمگیری داشته است. رنگ سبز به دلیل وجود مس و رنگ کهربایی به علت وجود آهن روی آن است که با سرب ترکیب شده است. آنها در دمای

۷۰۰ درجه سانتیگراد پخته شده‌اند. این لعاب‌های سبز جدا از چینی‌های سبزی هستند که در دمای ۱۲۰۰ درج سانتیگراد پخته شده‌اند و در لعاب آنها از سدیم استفاده می‌کردند و از این سفال‌های لعابدار برای اشیاء داخل معبد استفاده می‌شده است. برخی از این سفال‌ها در بخش چین موزه مترو پلین نگره‌داری می‌شود. فن ساخت این سفال‌های لعابدار در همه نقاط چین مرسوم بود، اما از نمونه‌های به دست آمده روشن است که رواج این سفال‌ها از شرق چین آغاز شده و شروع به پیشرفت کرده است و برای مصارف گوناگون اشکال متنوعی ساخته شده است (LUYAW, 1990:67).

کیفیت سفال‌های هان بسیار بالا است؛ چه سفال‌های لعابدار و چه سفال‌های بدون لعاب در دمای بالا ساخته شده‌اند. بیشتر اشیاء پیدا شده در مقابر با یک لعاب سربی پوشانیده شده است که به راحتی اکسید می‌شود و تولید این سفال‌های سبز نقره‌ای یکی از جالب‌ترین اشیاء دوره هان است. تکنیک ساخت سفال سربی قبل از دوره هان در مدیترانه به کار می‌رفت و احتمالاً به وسیله آسیای مرکزی به هنرمندان هان معرفی شده است. بهترین نوع این سفال‌ها کوزه‌هایی بودند که برای نوشیدنی و یا شراب استفاده می‌شدند. این سبوها بزرگ و ساده هستند و تقلیدی از ظروف برنزی هستند و خطوط و نقوش هندسی روی بدنه‌اش به زیبایی آن می‌افزاید (SULIVAN, 1999:68).

سفال‌های لعابدار هان دو نوع هستند: سفال‌های شمالی چین در دوره هان به منظور استفاده در تدفین و در درجه حرارت پائین ساخته شده‌اند. رنگ این ظروف سبز است که با اکسید شدن مس ایجاد شده و در اثر ماندن زیر خاک به رنگ نقره‌ای هفت رنگ در آمده است. سفال‌های ساخته شده در درجه حرارت بالا با لایه لعاب نازکی به رنگ قهوه‌ای و یا سبز زیتونی نیز در این دوره ساخته شده است، اما مرکز تولید آنها به سرزمین "جی جیانگ"^۱ که آن را یو^۲ نیز می‌نامند، منتقل شده است (<http://www.chinaonlinemuseum.com>).

1. Zhejiang
2. yue

یافته‌های باستان‌شناسی، این منطقه را اولین محل تولید سفال‌های لعابدار می‌داند. سفال‌های لعابدار این منطقه در زیر معبدی که در زمان امپراطور ووتی ساخته شده، دفن شده‌اند (Li Zhiyan, 1996: 38).

کوره‌های یو در چین شرقی در منطقه دپینگ^۱ قرار داشته است و فرم و نقش روی سفال‌های مقاومی که در آن منطقه ساخته می‌شد، اغلب از اشیاء برنزی تقلید شده بود و روی آنها را با لعاب نازکی به رنگ سبز می‌پوشاندند. یکی دیگر از مراکز مهم سفالگری در دوره هان چانگ شا^۲ در سرزمین هون^۳، چنگ دو^۴ و چونگ کینگ^۵ در ایالت سی چوان^۶ بود.

سفال‌هایی با بدنه سرامیکی و لعاب سبز زیتونی مایل به سبز به نام سلادون شناخته شده‌اند؛^۷ دوره‌ای که بیشتر آثار اولیه چین در آن دوره ساخته شده است. رنگ این سفال‌ها در آغاز سبز زیتونی بوده و در نمونه‌های بعدی به رنگ تیره‌تر در آمده‌اند. این رنگ در اثر غلتان ظرف در آهن بوده و قبل از اینکه روی آنها را با لعاب بیوشاندند، در نتیجه واکنش آهن با لعاب در دمای بالا این رنگ ایجاد می‌شود (<http://www.chinaonlinemuseum.com>).

وجه اشتراک سفال‌های هان و اشکانی

در زمان هان در چین ظروفی با لعاب سبز رنگ پیدا شد و از بسیاری جهات شبیه به ظروف سفالین اشکانی است. این صنعت از ایران در زمان اشکانی به چین رفته است، زیرا رنگ آن کاملاً همان رنگ است و رگه‌هایی که در نمونه‌های ظروف چینی دیده می‌شود، شبیه به لعابکاری اشکانیان است. یقین است که در این زمان بین ایران و چین روابط

1. Deqing
2. Changsha
3. Hunan
4. Chengdu
5. Chongqing
6. Sichuan

۷. نام سلادون از یک نمایشنامه فرانسوی در قرن ۱۷ گرفته شده است که رنگ لباس شخصیت اصلی آن سبز بوده است.

دوستانه برقرار بوده و مخصوصاً تجارت ابریشم اهمیت زیادی داشته و سلاطین هر دو مملکت سفرا و مأمورین سیاسی به دربارهای یکدیگر می‌فرستاده‌اند (ویلسون، ۱۳۶۶: ۸۷).
 اکتشافاتی که در گورهای دوره هان در ایالت شنسی در اوایل قرن بیستم به عمل آمده است، نشان می‌دهد که در اواخر دوره هان، یعنی قرن‌های دوم و سوم میلادی، نوعی ظروف چینی لعابدار (ظروف چینی نخستین) ساخته می‌شد، اما تعداد آن هنوز محدود بود. قطعاتی از این ظروف، که آنها را نباید با ظروف لعابی سبز دوره هان اشتباه کرد، نزد دوستداران هنر چینی در قرن نوزدهم معروف بود، اما در آن هنگام چنین تصور می‌رفت که کار دوره تانگ یا حتی دوره سونگ باشد.
 ظروف اواخر دوره هان در واقع چینی واقعی نبود، اما از لحاظ فنی مرحله میان ظروف لعابدار و ظروف چینی واقعی به شمار می‌رفت؛ به هر حال انگیزه نخستین نتیجه ارتباط با فرهنگ ایرانی در دوره هان بوده است (جرالد، ۱۳۶۷: ۲۶۸).

فرم‌های مشترک سفال‌های هان و اشکانی

سفال ایران در دوره اشکانیان	سفال چین در دوره هان
 <p>قمقمه مسافرتی با لعاب آبی - هفت تپه دوره اشکانی ۱-۳ ق.م. ارتفاع ۲۷/۶ سانتیمتر، عرض ۱۴/۷ سانتیمتر</p>	 <p>قمقمه مسافرتی سلسله هان</p>

پژوهشی بر تأثیر متقابل سفالگری ایران در عصر اشکانی و چین ... / ۵۳



ریتون با لعاب سبز، ارتفاع ۳۳/۸ سانتیمتر، قطر ۴/۶ سانتیمتر ایران قرن ۱-۳ ق.م.



سفال تکرنگ ارتفاع ۱۴ اینچ سلسله هان



پیاله سفالی قهوه‌ای مات با سه پایه
سفال اشکانی موزه ایران باستان شماره ۳۱۹۳



ظرف سفالی سه پایه با لعاب سبز مسی سیلیکات ارتفاع ۱۶ سانتیمتر عرض ۲۳/۱ سانتیمتر، قرن ۱-۳ ق.م.
سلسله هان شرقی



پیاله سفالی خاکستری حسنلو ایران
موزه ایران باستان شماره ۱۳۵۸۷/۱۹۶۲۰



"هو" ظرف سفالی کپی از مدل برنزی با همین نام
سلسله هان شرقی

سفال با لعاب‌های مشترک هان و اشکانی

سفال لعابدار ایران در دوره اشکانیان	سفال لعابدار چین در دوره هان
	 
	
	



نتیجه

این بررسی نشان می‌دهد که اولاً در ایران قبل از اسلام، بین دو کشور ایران و چین مناسبات وجود داشته است و ثانیاً روابط در ابعاد اقتصادی، تجاری، سیاسی و فرهنگی به طور گسترده‌ای برقرار بوده است و ثالثاً این روابط منجر به تأثیر متقابل فرهنگی و هنری دو کشور شده است. در روزگار پادشاهان سلسله هان سفال بی‌لعاب با نگاره قالب زده در چین بسیار رواج داشته، در حالی که در روزگار اشکانیان در ایران گونه‌های سفالین با لعاب سبز فراوان بود و به باور بیشتر دانشمندان، لعاب سبز یا قهوه‌ای رنگ ظروف چینی که در روزگار سلسله هان در چین دیده می‌شود، چینی‌ها از ایران آموخته‌اند. با اینکه لعاب ساخت چین از دیدگاه آمیختگی مواد با برخی از نمونه‌هایی که در سلوکیه به دست آمده، سازگاری ندارد، اما شناسایی آن در چین هم‌زمان با پیوستگی بازرگانی با ایران و رونق جاده ابریشم بوده است و حال آنکه در ایران، مدت‌ها پیش از سده سوم حتی از روزگار کاسیت‌ها (در مرز ۱۲۵۰ سال پیش از میلاد) به کار بردن لعاب روی باردان‌های سفالین مرسوم بود و پیکره‌های سفالین شوش را با لعاب درخشان سفید رنگ آرایش می‌دادند، بر این پایه، آشکار می‌شود که ساخت لعاب از ایران به کشور چین رفته است.

منابع و مأخذ

فارسی

- آذری، علاءالدین، ۱۳۷۷، *تاریخ روابط ایران و چین*، تهران: امیرکبیر.
- بیانی، شیرین، ۱۳۵۵، *هشت مقاله در زمینه تاریخ*، تهران: توس.
- توحیدی، فائق، ۱۳۷۹، *فن و هنر سفالگری*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- تریگیر، مری، ۱۳۸۴، *هنر چین*، ترجمه: فرزانه طاهری، تهران: فرهنگستان هنر.
- جرالد، فیتز، ۱۳۶۷، *تاریخ فرهنگ چین*، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی فرهنگی.
- دبواز، نیلسون، ۱۳۴۲، *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: ابن سینا.
- دورانت، ویل، ۱۳۶۶، *تاریخ تمدن*، ج ۳، ترجمه: ابوطالب صارمی و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- سایکس، سریرسی، ۱۳۸۰، *تاریخ ایران*، ترجمه: سید محمد فخر داعی گیلانی، تهران: افسون.
- ستوده نژاد، شهاب، ۱۳۸۳، *بازتاب تمدن‌های اشکانی ساسانی بر سه پادشاهی در شبه جزیره کره*، تهران: آشیانه کتاب (مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها).
- ستاریان، بیات، ۱۳۸۵، *روابط ایران و چین در عهد باستان*، مجله رشد، شماره ۲۲، ص ۲۹-۳۳.
- فدایی سید احمد، ۱۳۶۶، *روابط تاریخی ایران و چین*، نشریه مشکات، شماره ۱۷، صص ۱۰۷-۱۲۵.
- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۹، *پیشینه سفال و سفال‌گری در ایران*، تهران: نسیم دانش.
- کالج، مالکوم، ۱۳۵۷، *پارتیان*، چاپ دوم، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: سحر.
- گیرشمن، رومان، ۱۳۶۸، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه: محمد معین، تهران: علمی فرهنگی.
- گیرشمن، رومان، ۱۳۵۰، *هنر ایران*، ترجمه: بهرام فره‌وشی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مهبد، محمد علی، ۱۳۶۱، *پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران (قبل از هخامنشیان تا پایان قاجاریه)*، تهران: میترا.
- ویلسون، ج. کریستی، ۱۳۶۶، *تاریخ صنایع ایران*، چاپ دوم، ترجمه: عبدالله فریار، تهران: فرهنگسرا.
- هرینک، ازنی، ۱۳۷۶، *سفال ایران در دوران اشکانی*، ترجمه: حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هارت، فردریک، ۱۳۸۲، *سی و دو هزار سال هنر*، ترجمه: موسی اکرمی و دیگران، تهران: پیکان.

لاتین

G. Valenstein Suzanne, 1975- 1989, *A Handbook of Chinese Ceramics*, NewYork: The Metropolitan Museum of art (The Department of Asian Art), Samuel I. Newhouse Foundation.

Luyaw, 1990, *Lee Long China Art Meseum (Collection of Chinese Ceramics, Bronze, Archaic Jade, Painting and Calligraphy)*: National University Press Kent ridge Singapour times graphics.

Sullivan Michael, 1999, *The Arts of China*, Canada: university of California press.

Zhiyan Li, Cheng Wen, 1996, *Chinese Pottery and Porcelain*, translated: ouyang caiwei, Beijing, china: foreign languages press

سایت‌ها

www.arts.cultural-china.com

<http://fa.wikipedia.org/wiki/اشکانیان>

<http://pearsian.cri.cn/chinaabc/chapter14/chapter140105.htm>

www.pinterest

www.chinaonlinemuseum.com/ceramics-han.php

